Payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۹۸۳
سه‌شنبه / ۲۲ اردیبهشت / ۱۴۰۵
۲۴ / ذوالقعده / ۱۴۴۷
12 / May / 2026

صاحب‌امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: ابافره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۸۳۸-۳۲۵۴۳۴۳-۰۲۶، دکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۶۷۱۸۰
چاپ: کارگر

غزل ۲۴۴ امروز با حافظ

سواد دیده غمدیده‌ام به اشک مشوی
که نقش خال توام هرگز از نظر نرود
ز من چو باد صبا بوی خود دریغ مدار
چرا که بی سر زلف توام به سر نرود

طرافه

روز بازار جوانی پنج
روزی بیش نیست
نقد را باش ای پسر
کآفت بود تأخیر را

سعدی

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۳:۴۵	۰۵:۰۳	۱۲:۰۲	۱۹:۰۲	۱۹:۲۲

برگه

زندگی کشف خود نیست، ساختن خود است.

جرج برنارد شاو

گزارش روز

سفرها تغییر کرده است؟

در جنگ ۴۰ روزه، عده‌ای به ناچار خانه و زندگی خود را رها کردند و به شهرهای امن‌تر پناه بردند، اتفاقی که در جنگ ۱۲ روزه هم رخ داد. وزارت میراث فرهنگی معتقد است این رفتار مردم نشان‌دهنده تغییر در الگوی سفر است اما برخی کارشناسان بر این نظرند که این تغییر الگو، متأثر از تغییر سبک زندگی در شرایط حاضر است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایسنا، صاحبان صنعت گردشگری می‌گویند احوال سفر از زمان همه‌گیری کرونا پی‌درپی دچار تغییر ماهیتی شده و از نظر کیفیت آماری هنوز به وضع قبل بازنگشته است. در دو جنگ اخیر اما نه تنها تعداد سفرها که سبک سفرها هم با تغییراتی مواجه شد.

آمارهای وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی حاکی از آن است که در بازه ۲۵ اسفند ۱۴۰۴ تا ۱۵ فروردین ماه ۱۴۰۵، که همزمان با پیک سفرهای نوروزی و مقارن با جنگ تحمیلی آمریکا و اسرائیل بود، حدود ۲۹ میلیون و ۷۰۳ هزار نفر سفر ثبت شده است که در این بین بیشترین حجم مسافر به استان‌های شمالی اختصاص داشت؛ مناطقی که در دوران جنگ به نسبت امن‌تر بودند.

این وزارتخانه همچنین تحلیل کرده که در این مدت، الگوی غالب سفر از «گردشگری تفریح‌محور» در سال‌های گذشته، به «سفرهای امنیت‌محور» تغییر یافته است، رویه‌ای که همچنان ادامه دارد، و استفاده از عنوان «گردشگری» را پرسش‌برانگیز می‌کند.

براساس آنچه وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی از سفرهای انجام شده در دوران جنگ ۱۲ روزه و ۳۹ روزه تحلیل می‌کند، مردم بیشتر به کوچ و یا سفری اجباری پرداختند و مقاصد امن‌تری را برای اسکان موقت انتخاب کردند. عموما هم این کوچ به خانه اقوام و بستگان در شهرها یا روستاهای دیگر اتفاق افتاد. اما مسئله این است این تغییر در الگوی سفر، رفتاری پایدار است یا موقتی و ینا به شرایط پیش آمده است و یا توجه به بحرانی که دست به گریبان فعالان گردشگری شده، یا این تغییر الگوی رفتاری سفر، تدبیر برای مقاصد خلوت‌تر چه خواهد بود؟

افسانه احسانی، متخصص حوزه اکوتوریسم و فعال فرهنگی و گردشگری در پاسخ به این پرسش، نخست اظهار نظر مطرح شده درباره تغییر الگوی رفتاری سفر را نیازمند بررسی دقیق‌تر آمارهای سفر می‌داند و معتقد است «چنین ادعایی هنوز بسیار بزرگ است.» او در این باره می‌گوید: من مواجهه مستقیم با این موضوع نداشتم و در زمان جنگ هم سفر نرفتم اما اگر بخواهیم بر مبنای تعریف عمومی سفر که می‌گوید هر کس با هر نیتی به هر مقصدی برود و هزینه کند به آن عنوان گردشگری را می‌دهند، فکر می‌کنم چنین ادعایی می‌تواند درست باشد اما من در این زمینه مردد هستم.

این تسهیلگر گردشگری معتقد است: به جای آنکه بگوییم رفتار سفر ایرانی‌ها تغییر کرده است باید صادقانه بگوییم الگوهای سبک زندگی مردم تغییر کرده است و یکی از دلایل این تغییر نیز تورم و گرانی و دیگری بیکاری بخشی از مردم است. برای مثال در سفری که در دوران آتش‌بس به نیشابور داشتم، با راننده‌ای مواجه شدم که با شروع جنگ به خانه یکی از اقوامش در نیشابور رفته بود و چون شغل خود را هم از دست داده بود، تصمیم گرفته بود در همین شهر یک خانه اجاره کند و با رانندگی در شهر به زندگی ادامه دهد. در واقع این نمونه مصداقی یا عنوان مسافر از تهران خارج شده اما در حال حاضر یکی از شهروندان شهر نیشابور محسوب می‌شود، است. ناپایداری شرایط در کشور ما از جنگ ۱۲ روزه گرفته تا دی ماه و جنگ تحمیلی اخیر موجب شده سبک زندگی مردم تغییر کند؛ چرا که مردم می‌خواهند زنده بمانند.

احسانی درباره این تغییر الگوها و پیامدهای آن اظهار کرد: این تغییر سبک زندگی می‌تواند الگوهای منفی بسیاری از گران شدن زمین در شهرهای کوچک و الگوهای دیگر به همراه داشته باشد اما این امر می‌تواند نقطه قوت هم داشته باشد و همین افراد اثر خود را در شهرهای کوچک بگذارند. برای مثال یکی از دوستان من پیش از این در ژنو زندگی می‌کرد و از افراد تاثیرگذاری هم بوده است که در حال حاضر ساکن یکی از روستاهای کوچک در شمال ایران است که تاثیر بسیاری هم در همان جامعه کوچک گذاشته است. این امر کمک می‌کند امکانات، نیازها و آموزش‌ها به هم نزدیک شوند و شاید حتی زمینه‌های صلح را هم فراهم کند؛ چرا که انسان‌ها در کنار هم قرار می‌گیرند و سبک‌های اجتماعی‌شان هم به یکدیگر نزدیک می‌شود. شاید اگر سه سال پیش همین پرسش از من می‌شد به شکل منفی‌تری به آن نگاه می‌کردم اما حالا می‌بینم ایجاد خانه‌های یومگردی موجب چه مراوداتی یا اهالی می‌شود، و جنبه‌های مثبتی از جمله نیازهای متنوع، آموزش و توجه به سبک‌های مختلف زندگی دارد شاید گفت‌وگو میان آدم‌ها منجر به جابجایی سطح توقعات و نیازهایشان شود.

احسانی اظهار می‌کند: به عقیده من همین تغییر سبک زندگی یا توجه به شرایط فعلی می‌تواند منجر به مهاجرت معکوس هم شود. همان‌طور که بیشتر مردم به این موضوع فکر کرده‌اند و من و همسرم هم نیمچه مهاجرتی به زادگاهم داشتیم. من در اطرافیانم یا زوجینی برخورد کردم که به دلیل تورم و گرانی زندگی در شهر تهران مجبور شدند و توافق کردند که از یکدیگر جدا شوند و هر کدام به خانواده‌هایشان برگشتند تا بتوانند زندگی کنند و این منفی‌ترین شکلی بود که من از این فضا دیدم.

در همین راستا، هانی رستگاران، دبیر ستاد مرکزی هماهنگی خدمات سفر معتقد است سفرها یا تغییر الگو مواجه شده از «تفریح محور» به «امن‌محور» تغییر کرده، درک تغییر رفتار سفر ایرانیان برای سیاست‌گذاری آینده گردشگری کشور را حائز اهمیت می‌داند و از اعلام ضرورت برنامه‌ریزی‌ها به سمت توسعه مقاصد جدید، تقویت زیرساخت‌ها در مناطق کمتر برخوردار و افزایش تاب‌آوری صنعت گردشگری در شرایط خاص سخن می‌گوید. این اظهارات، پرسش‌های بسیاری به دنبال دارد. سوای این بحث که برای مناطق کم‌برخوردار با وجود شرایط جنگ، چه اقدامی در دست است تا سریع‌تر پاسخگوی نیاز مسافران و گردشگران باشند؟ موضوع دیگر این است که یا توجه به هجوم مسافرانی که در پی مناطق امن، خانه خود را به سمت مقاصد کم‌برخوردار، ترک می‌کنند، چه تدبیری سنجیده شده است تا آسیب‌هایی به ساختار هویتی، فرهنگی و حتی اقتصادی جامعه محلی وارد نشود و در نهایت اینکه، وقتی از تاب‌آوری سخن می‌گوییم، دقیقا از چه سخن گفته می‌شود؟ به اعتقاد افسانه احسانی، تاب‌آوری مبحث بسیار وسیعی دارد و زمانی که از عنوان تاب‌آوری در ایران استفاده می‌شود، واکنش مردم را به همراه می‌آورد. این کلیدواژه در برخی منابع از جمله بیابان‌زایی بسیار قدرتمند است. اینکه مردم از عنوان تاب‌آوری استفاده کنند متفاوت از زمانی است که بخش‌های دولتی از این کلیدواژه استفاده کنند. اگر فضا این چنین نبود من هم روی عنوان تاب‌آوری تاکید می‌کردم؛ چرا که تاب‌آوری به معنای تحمل و پذیرش نیست، بلکه به این معناست که فردا با چالشی مواجه می‌شود که وقتی آسیب هم می‌بینند اما نابود نمی‌شود و همچنان ادامه هم می‌دهد و فرد آنقدر قدرتمند می‌شود که وقتی یا بحرانی مواجه می‌شود، می‌تواند ادامه دهد و به دنبال راهکارهای تازه می‌گردد، خلاق‌تر و پویاتر هم می‌شود. این در حالی است که فعالان حوزه گردشگری یا وجود بلایایی که تا کنون سرشان آمده است همچنان احساس بی‌پناهی می‌کنند و از سال ۱۴۰۰ تا کنون هیچکس به فکر این صنعت نبوده است و هیچ کمکی به آنها نشده است و اگر کمکی هم صورت گرفته محدود به ارائه وام آن هم به صورت خاص و محدود بوده است.

متخصص حوزه اکوتوریسم و فعال فرهنگی و گردشگری یا بیان اینکه مردم انتخاب می‌کنند که چه کاری انجام دهند، معتقد است: در چنین شرایطی، احتمال مهاجرت معکوس بالاست، و الگو و سبک زندگی نیز در حال تغییر است. بنابراین ضرورت دارد راهکارهای وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی هم در این زمینه مشخص شود.

برش

بذل و بخشش بحرین از طرف ایران به‌روایت سفیر آمریکا

سفیر سابق آمریکا در ایران می‌گوید در روزهای بحث و گفتگو درباره جدا شدن بحرین از ایران، محمدرضا پهلوی به‌عنوان شاه ایران به او گفته در صورت این‌که آیرویش حفظ شود، حاضر است پای حکم جدا شدن این استان ایرانی از ایران را امضا کند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از تابناک، آمین مایر در دوران پایان ریاست جمهوری جان اف کندی و دوره اول از دولت لیندون جانسون، سفیر آمریکا در ایران بود. دوره خدمت او در ایران همزمان با دوره تثبیت قدرت در ایران بعد از انقلاب سفید و اتفاقات سال ۱۹۶۳ و ۱۹۶۴ بود. مایر در بحث تامین سلاح برای ایران و برخی تصمیمات کلیدی آمریکا در این دوره دخالت داشت و روابط نزدیکش با مقامات اصلی ایران و شاه، نقشش را در تصمیم‌گیری‌های واشنگتن در آن‌برهه مهم و تاریخی کرد.

او ۲۹ مارس ۱۹۸۵ مصاحبه‌ای با ویلیام بور در واشنگتن دی سی داشت.

یکی از نقل‌قول‌های معروف مربوط به جدا شدن بحرین از ایران، متعلق به اسدالله عَلَم وزیر وقت دربار و چهره معتمد شاه است. او در جلد دوم خاطراتش می‌گوید شورای امنیت به اتفاق آرا، میل بحرین برای استقلال کامل را تصویب کرد و نماینده ایران هم به‌سرعت این مساله را پذیرفت!

علم می‌گوید «خندم گرفته بود؛ گوینده رادیو تهران طوری با غرور این خبر را می‌خواند که گویی بحرین را فتح کرده‌ایم. اما این خنده به این معنی نیست که من با این کار مخالفت دارم!»

اما شنیدن ماجرای جدایی بحرین از ایران به روایت آرمین مایر هم جالب است. او در مصاحبه‌اش با ویلیام بور می‌گوید ایران چندین نسل مدعی حاکمیت بر جزیره بحرین بود. اجداد بسیاری از ایرانی‌ها در آنجا زندگی می‌کردند. این مساله هر از گاهی مطرح می‌شد و منبع یاقوه‌ای برای درگیری بود.

سفیر سابق آمریکا در ایران می‌گوید وقتی ملک فیصل پادشاه وقت عربستان به‌صورت علنی سخنانی درباره بحرین گفت، شاه اولین سفرش به عربستان را در آخرین لحظه لغو کرد. این سخنان باعث عصبانیت شاه شده بود اما بعدا به این سفر رفت. علتش هم فشارهایی بوده که مایر به شاه وارد کرده تا به عربستان برود. تصمیم نهایی جدا شدن بحرین از ایران هم وقتی گرفته شد که ماموریت مایر در ایران تمام شده و به آمریکا برگشته بود.

اما مایر خاطره جالبی از روزهای حضورش در ایران و گفتگو با شاه درباره مساله بحرین دارد. او روایت می‌کند:

«شاه به من گفت: من باید روش آبرومندانه‌ای برای انجام این کار داشته باشم. من تنها فردی هستم که می‌تواند این کار را انجام دهد. بعد از من کسی نمی‌تواند این کار را انجام دهد. تنها چیزی که نیاز دارم رفراندوم یا کمیته داوری یا کمیته بررسی است. چیزی که آبروی مرا حفظ کند و من آماده‌ام آن را امضا کنم».

اشاره

کسانی که در تجمعات شبانه تفرقه‌افکنی می‌کنند، خطرشان کمتر از ترامپ و نتانیاهو نیست

«کسانی که با سخنان تفرقه‌افکنانه و شعارهای ضدوحدت تلاش می‌کنند تجمعات پریرکت شبانه مردم را کم‌رونق کنند و این نعمت بزرگ را از ایران که به شدت به آن نیاز دارد سلب کنند، بزرگ‌ترین کمک را در اختیار دشمنان قرار می‌دهند. با این دو گروه اخلالگر برخورد قاطعانه و عملی کنید و ایران را در شرایط بسیار حساس کنونی از اسارت آنان نجات دهید».

به گزارش پیام آشنا به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، ما چه بخواهیم و چه نخواهیم کشورمان در شرایط بسیار حساسی قرار دارد که شاید نتوان نظیر آن را در تاریخ ایران پیدا کرد. با دو ارتش که یکی خود را قدرتمندترین ارتش جهان می‌داند و دیگری مدعی است که قوی‌ترین ارتش منطقه است پنجه در پنجه هستیم. دلارهای نفتی و پایگاه‌های رایگان کشورهای عرب منطقه هم در اختیار این دو ارتش تروریست قرار دارند. افکار عمومی منطقه و جهان با آمریکا و رژیم صهیونیستی نیست ولی بوق‌های تبلیغاتی عمده در سطح بین‌الملل برای این دو دشمن غدار ما کار می‌کنند. در این رویاروئی و نبرد نابرابر، ما مردم ایران چاره‌ای غیر از پیروز شدن نداریم.

درست است که باید راه دیپلماسی را هم باز بگذاریم ولی طرف‌های ما بارها نشان داده‌اند که قابل اعتماد نیستند و حتما دست ما باید روی ماشه باشد. دنیای امروز هم به قدری دچار هرج و مرج و بی‌قانونی است که صهیونیست‌ها ظرف دو سال بیش از ۸۰ هزار فلسطینی را در غزه می‌کشند و حدود ۲۰۰ هزار نفرشان را زخمی و معلول می‌کنند و خانه و کاشانه‌شان را به ویرانه تبدیل می‌کنند، آمریکا رئیس جمهور ونزوئلا را شبانه می‌رباید و میز مذاکره با ایران را بمباران می‌کند و رهبر و دولتمردانش را ترور می‌کند و ۱۶۸ کودک و معلم را در چند دقیقه در میناب قتل‌عام می‌کند ولی نه‌تنها این جانیان مؤاخذه و محاکمه و مجازات نمی‌شوند بلکه حتی سازمان ملل و سایر مجامع بین‌المللی که فلسفه وجودیشان مقابله با جرائم بین‌المللی است این جنایات را محکوم نمی‌کنند.

در جهانی این‌چنین بی‌در و پیکر و بی‌حساب و کتاب، وقتی کشوری مثل ایران می‌خواهد در برابر دو ارتش تروریست، جنایتکار، وحشی و بی‌اخلاق بایستد و باید هم بایستد، حداقل به سه عامل تأمین‌کننده اقتدار نیاز دارد. این سه عامل عبارتند از نیروهای مسلح قوی، مردم حاضر در صحنه و اقتصاد رو به راه. در مورد اقتصاد، از تعبیر پررونق استفاده نکردیم چون طبیعی است که در شرایط تحریم و جنگ، اقتصاد دچار مشکل می‌شود ولی حتی در زمان جنگ هم باید به زندگی مردم توجه شود تا بتوانند در صحنه حضور داشته باشند و پشت جبهه را نگهدارند.

نیروهای مسلح هم علاوه بر انگیزه و روحیه، به امکانات و تجهیزات نیاز دارند که آنهم با اقتصاد پیوند قطعی و حتمی دارد. در این حساس‌ترین مقطع تاریخ ایران، سروسامان دادن به اقتصاد و تقویت هرچه بیشتر انسجام ملی، نیازهای حیاتی جامعه ما هستند. اقتصاد را مسئولان باید سروسامان بدهند تا معیشت مردم آسیب نبیند و مردم بتوانند بدون دغدغه در صحنه حاضر باشند. دولت و قوه قضائیه در این زمینه وظایف سنگینی برعهده دارند. دولت با نظارت دقیق مانع اجحاف شود و قوه قضائیه بدون مماشات با محتکران و گران‌فروشان قاطعانه برخورد کند.

مسئولان این هر دو قوه صحبت های خوبی ارائه می‌دهند ولی حل مشکل احتکار و گرانی فقط با مجازات عملی دانه‌درشت‌های محتکر و گران‌فروش میسر است. این دو قوه باید دست به دست همدیگر بدهند و با سردمداران اخلال در اقتصاد برخورد عملی قاطعانه کنند و اگر در بدنه دولت و حاکمیت کسانی با اخلالگران اقتصادی همدست هستند آنها را هم بدون اغماض مجازات کنند. اقتصاد را اینگونه می‌توان از شر اخلالگران نجات داد.

انسجام ملی هم مقوله‌ای نیست که بتوان آن را با نصیحت و شعار دادن محقق ساخت. آن نماینده افراطی مجلس که به جای قانونگذاری درباره جنگ و صلح فرمان می‌دهد و آن کارشناس یا مجری رسانه ملی که از رسمی‌ترین تریبون کشور دستور ویران کردن کاخ‌های سران فلان کشورها را صادر می‌کند و این هر دو دست به دست همدیگر می‌دهند برای مسدود کردن هر راهی غیر از جنگ، خطرشان برای کشور از نتانیاهو و ترامپ کمتر نیست.

کسانی که با سخنان تفرقه‌افکنانه و شعارهای ضدوحدت تلاش می‌کنند تجمعات پریرکت شبانه مردم را کم‌رونق کنند و این نعمت بزرگ را از ایران که بشدت به آن نیاز دارد سلب کنند، بزرگ‌ترین کمک را در اختیار دشمنان قرار می‌دهند. با این دو گروه اخلالگر برخورد قاطعانه و عملی کنید و ایران را در شرایط بسیار حساس کنونی از اسارت آنان نجات دهید.